



سرلشکر سلامی در مراسم تکریم و معارفه فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا:

تجزیه طلبان امنیت ندارند

صفحه ۲

وطن امروز

شکوه بندگی

بیش از ۸۷ هزار زائر ایرانی در سرزمین وحی در حال انجام مناسک حج هستند



صفحه ۴

نیروهای مقاومت در جینین ۲ فروند راکت به سمت شهرک‌های صهیونیست نشین شلیک کردند

کرانه موشکی



صفحه ۷

گردان شهید عیاش: بزودی موشک‌های قسام از جای جای کرانه باختری بر سر اسرائیلی‌ها فرود می‌آید

تیتراهای امروز

همایش سالانه دستگاه قضا با حضور و سخنرانی سران قوا برگزار شد

اتفاق نظریه فسادستیزی



«سوران»: تصویری متفاوت از غائله کردستان در دهه ۵۰ در قاب تلویزیون

روایت‌های ناگفته کردستان

اصلاح طلبان یکی از حامیان تحریم انتخابات را به عنوان رئیس جبهه اصلاحات انتخاب کردند

چراغ سبز به رادیکالیسم

شروع فرآیند تفکیک حساب‌های تجاری از شخصی، از ابتدای تیرماه

نقره داغ

ز رنگ‌های مالیاتی

مالیات ۲۵ درصدی «درآمدهای اتفاقی» در انتظار کسانی است که به جای استفاده از کار تخوان، مشتریان را مجبور به کارت به کارت یا پرداخت نقدی می‌کنند

نگاه

در سی که چینی‌ها به بایدن و بلینکن دادند!

حنیف غفاری: جو بایدن در سخنان اخیر خود، شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین را دیکتاتور خواند و واکنش متقابل پکن را برانگیخت. فارغ از ادبیات و لحن رئیس‌جمهور آمریکا، ابراز این موضع‌گیری منجر به تعجب بسیاری از مخاطبان اخبار سیاسی در جهان شد! این موضع ضدچینی تنها ۲۴ ساعت پس از بازگشت آنتونی بلینکن وزیر خارجه دولت بایدن از چین و دیدار وی با شی جین‌پینگ مطرح شد. اکنون بر همگان مسلح است سفر خاص بلینکن به پکن دستاوردی برای واشنگتن نداشته و انتظارات بایدن از وزیر خارجه‌اش در این سفر، به دلیل مواضع سرسختانه چینی‌ها برآورده نشده است. اما اصل ماجرا چیست؟ چینی‌ها چه پیام یا سسگتالی را در دیدار بلینکن مخابره کرده‌اند که منجر به عصبانیت رئیس‌جمهور آمریکا شده است؟ واقعیت ماجرا این است: آمریکا، مداخله راهبردی و مستقیم در حیط خولت چین و مناطقی مانند تایوان، تبت، دریای چین جنوبی، هنگ‌کنگ و شبه‌جزیره کره را به مثابه دستوری کلان در حوزه سیاست خارجی خود تعریف کرده است. این دستورات دولتی، مورد توجه دموکرات‌ها و جمهوری خواهان قرار دارد و تبدیل به جزئی از ثوابت سیاست خارجی منداخله‌گرایانه آمریکا در نظام بین‌الملل شده است. حتی آمریکا در پیشبرد این دستورالعمل کلان، از ظرفیت بازیگرانی مانند استرالیا و جدیداً فیلیپین در کنار ژاپن و کره جنوبی کمک گرفته است. بلینکن در جریان سفر اخیر خود به چین یک خط قرمز معین داشت: تحدید محاصره راهبردی چین در شرق آسیا!

وزیر خارجه آمریکا از سسوی بایدن ماموریت داشت بدون آنکه کمترین تعهدی به چینی‌ها در تغییر این راهبرد کلان و خطرناک دهد، زمینه را جهت «معامله تاکتیکی با پکن» جهت مهار اقدامات سسایبری و امنیتی پکن علیه واشنگتن مهیا کند. بروز مواردی مانند اثبات عملیات رصد مستمر پکن‌های چینی بر فراز ایالات شمالی و حتی دیگر ایالات آمریکا و ناتوانی پنتاگون در مواجهه با این اقدامات، به صورت مشخص دولت بایدن را در موضع ضعف نسبت به چینی‌ها قرار داده است. در چنین شرایطی رئیس‌جمهور آمریکا نگران است که ضعف واشنگتن در مهار برخی اقدامات پکن تبدیل به پاشنه آشیل وی و دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده (۲۰۲۴) شود. فراموش نکنیم جمهوری خواهان قصد ندارند از ضعف عملکرد دولت آمریکا در برابر چین در مبارزات انتخاباتی براحتی عبور کنند، چنانکه دموکرات‌ها نیز در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۲۰ از این موضوع به مثابه سلاحی مؤثر علیه ترامپ استفاده کردند!

ادامه در صفحه ۶

زنگ خطر برای چه کسانی!؟

ایستادگی آن در برابر کاخ کرملین تعلیق کرد، تکلیف کسانی که روی دیوار کاخ سفید یادگاری می‌نویسند نیز مشخص است: خواه هوادار ساده باشند یا استاد!

کولایی به این حد از ماجرا نیز اکتفا نکرده و ناظر بر تحولات یک روزهای که در روسیه به وقوع پیوست (و برخلاف پیش‌بینی وی و همفکرانش به بحرانی دائم تبدیل نشد) اظهار داشت: «می‌توان امید داشت موانه‌گرایی در سیاست خارجی ایران جایگاه خود را بازیابد، به جای انکار بر شرق، تلاش برای گسترش روابط با «غرب و شرق» مورد توجه قرار گیرد».

براستی تعریف تئورسیسین‌های اصلاح‌طلب حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از توازن چیست؟ فراموش نکنیم در بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، دیپلماسی آمریکایی - اروپایی دولت یازدهم و دوازدهم سبب شد واشنگتن و تروئیکای اروپا به بازیگران ثابت و مبنایی و سسایر بازیگران (از چین و روسیه تا برزیل و اندونزی و آفریقای جنوبی و هند)

تئورسیسین‌های حوزه سیاست خارجی جریان فتنه ۸۸ به اندازه‌ای محو تحولات مسکو و روستوف شده بودند که حتی در محاسبات خود حسابی بر توازن واسطه‌گری متحدان پوتین در بزنگاه‌های حساس و سرنوشته‌ساز باز نکردند.

استراتژیست‌ها و نظریه‌پردازان حوزه روابط بین‌الملل متفق‌القول هستند «تحلیل و رصد دقیق صحنه»، کلید و پیش‌شرط ارائه راهکاری عینی در برابر وقایع و بحران‌ها محسوب می‌شود. براستی کولایی و همفکرانش تا چه اندازه در درک اولیه آنچه در روسیه (میان ارتش روسیه و واگنر) گذشت آگاه بوده‌اند؟ البته نباید در این باره بر اصلاح‌طلبان حامی فتنه گردفت. زمانی که آنتونی بلینکن وزیر خارجه همه‌فن‌حریف و همه‌چیزدان دولت بایدن (بنا بر نگاه و تعبیر اصلاح‌طلبان) در روز اول - و آخر! - تحرکات واگنر سخن از احتمال استمرار چندماهه بحران داخلی در روسیه به میان آورده و متعاقباً، تحریم‌های جدید علیه واگنر را در تمجید از

یادداشت
نویسنده مؤمن: الهه کولایی، نماینده مجلس ششم و عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در واکنش به شورش اخیر گروه واگنر علیه حکومت روسیه مدعی شده است: «این شورش «زنگ خطر» برای تهران بود و به جمهوری اسلامی هشدار داد «کارت بازی روسیه» نشود. رویدادهای جاری می‌تواند زنگ خطر را برای تصمیم‌گیرندگان کشور به صدا درآورد. تنها به الزام‌های برآمده از ژئوپلیتیک ایران تن دهند».

درست در زمان ذوق‌زدگی ایشان و همفکران‌شان در قبال طولانی مدت بودن بحران داخلی روسیه و تأثیر سلبی تحرکات واگنر بر توازن نظامی روس‌ها در میدان نبرد اوکراین، «الکساندر لو کاشنکو» رئیس‌جمهور بلاروس مشغول مذاکرات پنهان با «یوگنی پرگوزین» رهبر گروه واگنر و توافق میان این گروه و کاخ کرملین بود؛ موضوعی که نشان می‌دهد صاحب‌نظران و

تکلیف بازیگرانی مانند آمریکا و تروئیکای اروپا که قویا «تلاش برای براندازی نظام جمهوری اسلامی» را تبدیل به دستورالعمل پارلمان‌ها و دولت‌های خود ساخته‌اند با منافع ملی ملت ایران مشخص است! قطعاً نمی‌توان با چنین بازیگرانی همان معامله‌ای را کرد که با چین و روسیه می‌کنیم! تکلیف بازیگرانی که به لحاظ ماهوی خواستار سقوط نظام جمهوری اسلامی و حتی ایران هستند مشخص‌تر از آن چیزی است که کولایی و دیگران درصدد پیچیده‌سازی آن برمی‌آیند. خامن‌سای کولایی درصدد پیچیده‌سازی آن برمی‌آیند. اما به نظر می‌رسد بهتر است تحلیل کولایی از وقایع جاری در روسیه و ابطال بسیاری از پیش‌فرض‌های میدانی، ابتدایی و حداقلی تحلیل وی را زنگ خطری برای دانشگاه تهران و شاگردانی تلقی کنیم که در کلاس‌های درس او هنر تعامل با دنیا و دیپلماسی می‌آموزند!

تبدیل به بازیگران متغیر و فرعی شوند. نتیجه این بازی نیز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، یعنی زمانی که دونالد ترامپ با یک حرکت ساده خودکار به توهم «دائمی بودن برجام» پایان داد مشخص شد! اگر منظور خانم کولایی از موازنه‌گرایی در سیاست خارجی، الگوی رفتاری دولت مطلوب وی بوده، باید او را به تجدید نظر در درک مفاهیم و موضوعات بدیهی فراخواند! اکنون نظام جمهوری اسلامی ایران و دولت سیزدهم از سیاست خارجی متوازن سخن به میان می‌آورند، اما منظور آنها قطعاً نوعی از سیاست خارجی نیست که در آن جمع جبری و برآیند ارتباط با آمریکا و روسیه به عدد صفر گرایش پیدا کند! محض اطلاع کولایی، «توازن» برخاسته از کلمه «وزن» است، به این معنا که وزن بازیگران بین‌المللی نه بر مبنای قدرت ذاتی آنها، بلکه بر مبنای نسبت منافع ملی ما با آنها سنجیده شود و توانمندی‌ها و فرصت‌هایی که در اینجا می‌تواند در خدمت منافع ملی ما قرار گیرد، احصا و به سسوی کشورمان هدایت شود. در اینجا

کارزار واشنگتن برای مهار منطقه‌های ایران از بین رفته و آمریکایی‌ها را در وضعیت باخت - باخت قرار داده است

آمریکا نتوانست ایران را متوقف کند، ایران دارد برنده می‌شود

کشوری با تریلیون‌ها دلار هزینه و بدون هیچ حمایت (بین‌المللی) میسر نیست. در عوض، قابلیت بازدارندگی ایران مبتنی بر برنامه‌های پهبادی و موشکی، در طول سال‌ها به‌رغم تحریم‌های آمریکا، توسعه یافته است. به هر حال، تهران در واکنش به ترور ژنرال قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران، توانایی خود را در تخریب پایگاه‌های نظامی آمریکا در محدوده خود نشان داد و اینکه اگر اوضاع ناگوار شود، چه می‌تواند با اسرائیل بکند. این نشان می‌دهد ایران فارغ از تحریم‌های آمریکا، یک بازیگر مهم منطقه‌ای است و همچنان خواهد بود. سیاست خارجی آمریکا در قبال دشمنانش، مکرراً در تلاش برای حداکثر سود راهبردی بوده و از ایده سازش اجتناب می‌کند، چه با چین و چه با روسیه و اما وقتی پای ایران به میان می‌آید، مساله واشنگتن

این امر زنگ خطر را در واشنگتن به صدا درآورده که ناامید از تلاش برای تقویت روابط خود با سعودی مجبور به مذاکرات محرمانه با تهران نه برای احیای برجام، بلکه برای دور نگه داشتن تهران از غنی‌سازی بیشتر اورانیوم به شرط رفع تحریم‌ها شده است. در حالی که ایالات متحده - احتمالاً با حمایت اسرائیل - تهدید به اقدام مبهم نظامی می‌کند واضح است که ایران اکنون همه کارت‌ها را در اختیار دارد بنابراین یک «آتش‌بس» موقت به قیمت کمترین مهار آمریکا تمام می‌شود. برخلاف کشوری مانند کره شمالی، ایران کشوری بزرگ است که واقعا به سلاح هسته‌ای برای ایجاد دکترین بازدارندگی برای بقای خود نیاز ندارد. شاید آمریکایی‌ها بتوانند حملاتی به تأسیسات کلیدی ایران انجام دهد تا مانع برنامه هسته‌ای صلح‌آمیزش شود اما بویژه در این شرایط، تهاجم تمام‌عیار به چنین

برنامه پیش‌ترفت و دنیا عوض شد. بی‌توجهی آشکار به قوانین بین‌الملل توسط واشنگتن کاتالیزوری در ظهور دلارزدایی بود. تغییرات جهانی‌ای که بعداً اتفاق افتاد، از جمله همه‌گیری «کووید-۱۹»، جنگ تجاری آمریکا با چین و جنگ در اوکراین، به تهران فضای راهبردی و اهرمی بخشید که قبلاً نداشت. اکنون ایران غنی‌سازی اورانیوم را به میزان قابل توجهی افزایش داده، به توسعه پهبادها و قابلیت‌های موشکی خود ادامه می‌دهد، روابط نظامی پیشرفته‌ای با روسیه دارد و به لطف پکن، توانسته روابط خود را با رقیب اصلی منطقه‌ای‌اش، عربستان عادی کند. این روند، نفوذ منطقه‌ای آمریکا و شریک‌ش اسرائیل را کاهش داده است. سیاست خارجی ایالات متحده درباره ایران حول محور بهره‌برداری از تنش‌های منطقه‌ای به منظور توجیه ردهای امنیتی خود دور می‌زد اما به نظر می‌رسد ایران این کارزار را خنثی کرده است.

ترجمه
تیمور فومنگو: سال ۲۰۱۸، دولت دونالد ترامپ برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یا «توافق هسته‌ای ایران» را که توسط باراک اوباما، سلف او امضا شده بود، پاره کرد. تصمیم برای لغو این توافق کاملاً تحت تأثیر اعضای نوحفاظله‌کار کابینه‌اش، از جمله جان بولتون، مشاور امنیت ملی و مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده بود که نه تنها به دنبال فرصتی برای ضربه زدن به رئیس‌جمهور (دموکرات) پیش از ساله فشار وحشیانه علیه ایران آغاز شد که در جهت نابودی اقتصاد این کشور سعی داشت کشورهای سوم را از تجارت با تهران منع کند اما کارها طبق

